مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره دهم | دوشنبه ۲۴ قوس ۱۳۸۲ | ۲۱ شوال المکرم ۱٤۲٤ - | 15 December 2003

سرمقاله

فرمانی که بحران آفرید

ص۲

لویه جرگه به فضای دموکراتیک نیاز دارد

ص۳





لویه جرگهٔ قانون اساسی افتتاح شد

رئیس دولت باردیگر بر نظام ریاستی پافشاری کرد

محترم حضرت صبغت الله مجددی به حیث رئیس لویه جرگه برگزیده شد

دیروز حوالی ساعت ده صبح، لویه جرگهٔ قانون اساسی گشایش یافت.

در آغاز رئیس دارالإنشای کمیسیون قانون اساسی، از قاری برکت الله سلیم تقاضا کرد تامحفل را باآیاتی از کلام الهی، متبرک سازد.

بعداً سرود ملی افغانستان پخش گردید ورئیس دارالإنشای کمیسیون قانون اساسی در صحبت خود گفت که حضور متبرک«الله اکبر» در سرودملی به روح وروان ما آرامش می بخشد، اما جالب این است که در مسودهٔ قانون اساسی ماده یی در رابط به تعدیل سرود ملی نیز گنجانیده شده است.

باسخنرانی محمدظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، لویه جرگه افتتاح شد واو پیر سید احمدگیلانی را که عضو انتصابی لویه جرگه است به حیث رئیس موقت مجلس برگزید.

جناب حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، نخستین سخنران مجلس بود. رئیس دولت در بیانیهٔ خود برریاستی بودن نظام آیندهٔ کشور پافشاری کرد. در حالی که جا داشت او این انتخاب را به خود وکلا واگذار می شد. زیرا نمایندگان مردم حق دارند در چنین مواردی آزادانه تصمیم بگیرند.

رئیس دولت هم چنان در بیانیهٔ خود گزارش کار دوسالهٔ حکومت را به شکل یک ارزیابی کوتاه ارایه کرد.

رئیس دولت در صحبت خود از پارلمان مقتدر وقضای مستقل یاد کرد، در حالی که به گفتهٔ صاحب نظران در متن مسودهٔ قانون اساسی از پارلمان مقتدر وقضای مستقل خبری نیست.

رئیس دولت هم چنان در صحبت خود مشکلاتی را که دامن گیر حکومت بود برشمرد. پروفیسور نعمت الله شهرانی معاون رئیس دولت ورئیس کمیسیون تدقیق قانون اساسی نیز سخنرانی کوتاهی در مورد پروسهٔ تسوید قانون اساسی داشت.

باختم بیانیهٔ پروفیسور شهرانی، اجلاس لویه جرگه تاساعت دو نیم بعد از ظهر به خاطر ادای نماز ظهر وصرف طعام معطل قرار داده شد. ص۴

بالاخره صدام حسین دستگیر شد

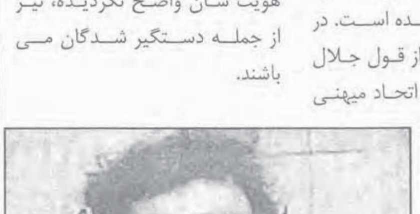


دستگیری صدام حسین را تأیید کرده است.مقامات آمریکایی جایزه یی به مبلغ بیست و پنج میلیون دلار برای دستگیری صدام حسین تعیین کرده بودند.

گفته شده است هنگام دستگیری، وی باخود چند قبضه اسلحهٔ سبک داشت ولی بدون مقاومت دستگیر گردید.

دو تن عراقی دیگر که هویت شان واضح نگردیده، نیز از جمله دستگیر شدگان می باشند.

گزارش های رسیده از عراق حاکی از آن است که صدام حسین، رئیس جمهوری سابق عراق، دستگیر شده است. در گزارش های اولیه از قول جلال طالبانی، رهبر حزب اتحاد میهنی کردستان عراق، نقل شده بود که رئیس جمهور سابق عراق در شهر زادگاهش، تکریت، دستگیر شده است. متعاقبا، تونی بلیر، نخست وزیر بریتانیا نیز



صدام حسین در هنگام دستگیری

نظام الدین ملکیار

نمایندگان ولایات هرات، بادغیس، فراه وغور

خواهان تعدیل در مسوده شدند

ارزش های اسلامی، نظام پارلمانی، استقلال قضا وسرود ملی مورد حمایت قرار گرفت



قاضی نظیر احمد حنفی
وکیل گذره هرات



محمد سرور سیستانی
وکیل فراه



عبدالرؤف مخلص وکیل
منتخب هرات



قاضی سلیمان حامد
وکیل منتخب بادغیس

نمایندگان مردم ولایات هرات، بادغیس، فراه وغور نظریات شان در پیرامون پیش نویس قانون اساسی را اعلام نمودند.

در نشست خبریی که به این منظور در شام روز۲۲ قوس در هوتل هرات دایر گردیده بود، نمایندگان ولایات متذکره متن طرح تعدیلی را به خبرنگاران داخلی وخارجی توضیح نمودند.

نکات مهم این طرح تعدیلی قرار ذیل است:

۱- مقدمهٔ قانون اساسی : در یک کشور اسلامی با تأسف از خطبهٔ شرعی که همان صبغهٔ حمد ودرود برنبی اکرم صلی الله علیه وسلم است خالی می باشد وباید این خطبه به آن علاوه گردد.

۲- در اخیر پاراگراف اول: «با ایمان راسخ به ذات خداوند... واعتقاد به دین اسلام جملهٔ:«وتصمیم قاطع بر اجرای احکامش» علاوه گردد.

۳- مادهٔ دوم: به این شکل تعدیل گردد.

«دین مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان دین مقدس اسلام است. پیروان اقلیت هنود وسیک در اجرای مراسم دینی خود در حدود احکام شریعت آزاد مْی باشند.» زیرا جز اقلیت هنود وسیک دیگر دینی غیر از اسلام عزیز در کشور وجود ندارد تا ما بخواهیم به آن رسمیت بخشیم..

۴- در مادهٔ سوم از یک تناقض مدهش میان دین مقدس اسلام وآنچه که از آن به عنوان ارزش های مندرج این قانون اساسی تعبیر گردیده است خبر می دهد واین ماده ، دوگانگی ساختار قانون در افغانستان را که یکی منطبق بادین مقدس اسلام ودیگری منطبق با«ارزش های مندرج» خواهد بود، رسمیت می بخشد. علاوتاً سیاق جمله به گونه یی است که از آن به طور تلویحی چنین استنباط می شود که: دین مقدس اسلام خود منبع تقنین نیست ولی قوانینی که تصویب می شود نباید با آن مخالف باشد.

این ماده سخت نگرانی مؤکلان ما را برانگیخته وآنها اجماعاً برتعدیل آن به شکل آتی نظر داشته اند:

(در افغانستان همهٔ قوانین باید منبعث از دین مقدس اسلام بوده وهیچ قانون وارزشی نمی تواند مخالف دین مقدس اسلام وضع وتطبیق شود ارزش های مندرج در این قانون اساسی نیز از این قاعده مستثنی نیست.) ص۴

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

فرمانی که بحران آفرید

حالا که نخستین روز اجلاس لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان سپری گردیده است، همه باید به این نتیجه رسیده باشند که نماینده های مردم باید، در تصمیم گیری های خود کاملا آزاد گذاشته شوند.

به عنوان نمونه می توان گفت که تأکید برنظام ریاستی وبرشمردن برخی ویژگی های آن توسط رئیس دولت، نخستین نقض فضای دموکراتیک لویه جرگه بود.

طرزالعمل از پیش ترتیب شدهٔ لویه جرگه که مورد تأیید وکلا قرار نگرفت، به نوبهٔ خود می تواند سیاست دموکراتیک وازادانهٔ لویه جرگه را زیر تاثیر قرار دهد.

به نظر ما مناسب تر این بود که از نماینده های محترم مردم که در واقع از همهٔ ملت نمایندگی کرده وصلاحیت تصویب قانون اساسی را دارند، در مورد مسودهٔ قانون نظر خواسته می شد وطرز العمل توسط یک کمیسیون انتخابی ترتیب می گردید.

آنچه که در روزهای اخیر توسط حلقات روشنفکر ونماینده های محترم بیشتر مطرح شده است، باز وآزاد بودن فضای لویه جرگه بود واز طرف دیگر مقام ریاست دولت باید تهیهٔ طرز العمل کار لویه جرگه را که از جمله کارهای داخلی آن به حساب می رفت به مجلس واگذار می کرد که متأسفانه عدم توجه به آن بحران آفرید که نباید چنین می شد.

به دوام بحرانی که طرزالعمل از پیش تهیه شده ایجاد کرد، مسألهٔ وکلای انتصابی وداشتن ونداشتن حق رأی آنان نیز مطرح گردید که به نوبهٔ خود فضای لویه جرگه را پرتنش ساخت.

به نظر ما یگانه روشی که می تواند از بحران وتنش در لویه جرگهٔ قانون اساسی پیش گیری کند، آزاد گذاشتن فضای لویه جرگه است. نمایندگان مردم باید این حق طبیعی را که در هرنوع تصمیم گیری آزادانه رأیزنی کنند، داشته باشند ونباید این فرصت بزرگ پدید آمده به هیچ قیمتی از دست برود.

کوه نوری

لویه جرگه به فضای دموکراتیک نیاز دارد

• مداخله در کار لویه جرگه وجهه واعتبار دولت رادرنزدمردم از این بیشتر صدمه می زند

سرانجام لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی جدید دیروز در تالا لویه جرگه باحضور نمایندگان منتخب ملت و اعضای انتصابی تدویر یافت واین کار می تواند سرآغاز یک دور جدیدی از حیات نوین در عرصهٔ سیاسی- اجتماعی مردم افغانستان باشد.

تفاوت های اساسی لویه جرگهٔ قانون اساسی تصویب قانون اساسی با لویه جرگهٔ اضطراری در این است که اکنون از تمام ولایات و ولسوالی های افغانستان نمایندگان مردم حضور دارند زیرا در لویه جرگهٔ اضطراری. مناطقی وجود داشت که به دلایل معلوم در انجاها انتخابات صورت نگرفته بود واز آن رو نمایندگانی نیز نداشتند.

فضای موجود در حالت فعلی نیز بافضای لویه جرگهٔ اضطراری تفاوت چشم گیردارد زیرا طالبان در زمان تدویر لویه جرگهٔ اضطراری متشتت وپراگنده بوده واراضی ناچیزی را در دست داشتند وکمتر خطری را می توانستند ایجاد کنند در حالی که اکنون آنها نسبتاً بسیج تر ومنسجم تر شده اند وحتی دست به انجام فعالیت های محاربوی در نواحی جنوب، جنوب شرقی وجنوب غربی زده اند وافزون برآن نسبت به سال گذشته از امکانات مالی خوبتری بهره مند اند وهیچ کسی هم نمی تواند از حضور آنها انکار کند.

تقابل این وضعیت متناقض وناهمگون می تواند حتی در بسیاری موارد در گزینش تعدادی از نمایندگان لویه جرگه که از ولایات مشخص(جنوب وجنوب شرق)آمده اند شک وشبه ایجاد کند ونمایندگی آنها را زیر سوال ببرد. از همین اکنون مواردی مشاهده می گردد که تعدادی نمایندگان طالبان نیز به این لویه جرگه راه یافته اند.

بادر نظر داشت تفاوت های موجود ومتناقض باحالت قبلی(لویه جرگهٔ اضطراری) امکان بروز تنش های قوی ومخالفت های پیش بینی ناشده در برابر مسودهٔ حاضر وجود دارد که تحمل ودقت افزون تر مدیران وگردانندگان لویه جرگه را می طلبد؛ زیرا هرگونه سهل انگاری، می تواند موجب بروز تفرقه وچند دسته گی درمیان نمایندگان مردم گردیده وفضای لویه جرگه را مختل سازد.

واقعیت این است که بانشر مسودهٔ قانون اساسی روشنفکران ونمایندگان مردم وحتی اقشار عادی جامعه نسبت به آن بادید انتقادی برخورد کرده و نظرات اصلاحی ابراز داشته اند. این نظریات مشحون از یک دید کلی است، نظام پارلمانی نه نظام ریاستی! مشارکت ملی وبرابری همه اقوام!

> **تجربه نشان داده است که هرگونه مداخله در امور افغان ها جداً می تواند عواقب وخیم وخطرناکی را ببار آورد که از جنجال وتنش های عادی تاخصومت ودرگیری گسترش یافته می تواند.**

ولی در برابر این نظر تعداد دیگر که عمدتاً در دور آقای کرزی وکابینهٔ او پرسه می زنند از نظام ریاستی جانبداری می کنند واین موضوع از همین اکنون فضای لویه جرگه را پرتنش مجسم می سازد.

توقع مردم ونمایندگان از مدیران لویه جرگه(داخلی وخارجی) مقامات عالیهٔ دولتی، اعضای کابینه، لخضر براهیمی نمایندهٔ خاص ومنشی سازمان ملل متحد این است که در کار لویه جرگهٔ قانون اساسی افغانستان از هرگونه مداخله ودست اندازی، تهدید و ارعاب اجتناب بورزند وبگذارند نمایندگان مردم افغانستان حالا که در شرایط دشوار کنونی در زیر یک تالار گردهم آمده اند کار خود را دوام داده وآن را به نحو شایسته یی به انجام برسانند.

تجربه نشان داده است که هرگونه مداخله در امور افغان ها جداً می تواند عواقب وخیم وخطرناکی را ببار آورد که از جنجال وتنش های عادی تاخصومت ودرگیری گسترش یافته می تواند.

هرگونه مداخله درامور لویه جرگه فضای صمیمیت و دوستی میان مردم ونمایندگان مردم افغانستان را از میان می برد در نتیجه منجر به تنش وتشنج خواهد شد وبدین گونه فضای کار تصویب قانون اساسی افغانستان نیز آسیب پذیر ومختل خواهد شد واین برای مدیریتی که تااکنون برای لویه جرگه وتدوین قانون اساسی صورت گرفته است خیلی گران تمام خواهد شد.

مداخلهٔ داخلی وخارجی در کار تدوین، تدقیق وتسوید قانون اساسی محسوس بود. این کار منجر به آن شد که باور مردم از کمیسیون تسوید ومدیریت آن کاملاً سلب شود. زیرا شکل حاضر مسودهٔ قانون که برنظام ریاستی تأکید دارد، نتیجه مداخله دستهای بیرون از حلقهٔ اقتدار دولتمردان کنونی افغانستان است. و در یک سخن که برمبنای احصاییه های مطبوعاتی، بیشترین مردم، پارلمان مقتدر می خواهند تا به نمایندگی از خود مردم اعمال صلاحیت کند.

تحلیل گران اوضاع سیاسی هشدار می دهند که گردانندگان ومدیران لویه جرگهٔ قانون اساسی جداً باید به این نکته متوجه باشند که مداخله در کار لویه جرگه وجهه واعتبار دولت رادرنزدمردم از این بیشتر صدمه می زند.

نظام ریاستی که دولت کنونی(حامد کرزی وحواریون آن) به آن تاکید می ورزند در دوسال گذشته نتایج مطلوبی نداشته است زیرا در دوسال گذشته نیز افغانستان کشور فاقد پارلمان ونخست وزیر بوده است وشاید هم ناکار ترین حکومت که باوجود سرازیر شدن میلیاردها دالر وجوه اختصاص یافته برآن هنوز اساسی ترین مشکلات مردم در آن راه حل نیافته ودر گرداب بی امنیتی دست وپا می زند.

از همین حالا مردم به نظام ریاستی نوعی بی اعتمادی نشان می دهند و دیده شود که آسیاب بدون آب لویه جرگه چگونه خواهد چرخید و حاصل آن چه خواهد بود.

پامیر

پارلمانی سیستم یاد ډیموکراسی تمثیلوونکی

لکه څرنګه چې پوګوندیز نظامونه اود قدرت انحصار د دیموکراسي ضد عمل دي، همدارنګه دپارلماني سیستم پرته دیموکراسي مانانه لري او ریاستي نظام خوبیاهم دپارلمان په غیاب کې دقدرت انحصار او یوډول مطلق العناني ده چې دیو شخص اراده به په خلکو حکومت کوي او یواځې یوشخص به دواک ټولې منابع په لاس کې لري.

موږ د دغه راز نظام بیلګه په لږ څه تفاوت سره هم په پاکستان کې وینو او هم ني په ترکمنستان کې چې زموږ دشمال او ختیځ ګاونډویان دي، په دغو هیوادو کې هم جمهور رئیس ټول واک په خان پورې تړلي. سره له دې چې قضا او مقننه قوه ظاهراً خپلواکه ګڼل کیږي خو داکار بیا په عمل کې بل ډول دي، هرڅه چې دجمهور رئیس زړه وغواړي او یائې له شخصي ارادې سره برابر وي هماغسې کیږي.

که دترکمنستان واکمنۍ ته نظر وکړو نو هلته هم جمهور رئیس دژوند تر پایه پورې خپل ځان دسیاسي قدرت تیکه دار او همیشني حقدار بولي، ان ځان ته ني(دترکمن باشي) یعني دټولو ترکمنانو دمشر لقب ورکړي، هر هغه څه چې د دوي واکمنۍ او خواکمنۍ ته تاوان رسوي هغه ولو که د دیموکراسۍ روح هم وي ردوي ني او بندیزونه پرې لګوي

موږ هیله من یوو چې دلته هم دافغان باشي داعزازي امتیازاتو په لټه کې څوک نه اوس او نه دقدرت دانحصارولو فکر وکړي

موږ دپارلماني او جمهوري ریاستي سیستم دغوره کولو حق یواځې دلویې جرګې داستازیو حق بولو. په دې برخه کې له ځینو حنجرونه دا اواز پورته کیدل چې ګوندي که ریاستي نظام په اساسي قانون کې تایید نه شي زه به ځان کاندید نه کړم داموږ د دیموکراسي له منل شویو اصولو سره متضاد بولو او دا اصلاً داساسي قانون په وړاندې یو ډول چلنج او سپوتاژ ګڼو هیله من یوو

۳مخ

چند یاد داشت بر مسودهٔ قانون اساسی

فواد مردان قلی

کشوری که دو دهه جنگ و ویرانی را پشت سرنهاده وهمه دار ونـدار خـویش را از دست داده است ودر خلای قانون ونظم به زندگی ادامه می دهد بدون شک از نبود ونداشتن قانون جامع ومدنی که بتواند نظم اجتماع وحقوق ملی ومیهنی اقوام را براساس معیارهای عادلانه وبر پایهٔ تساوی حقوق محک زند؛ رنج می برد.

آخر الامر لحظهٔ موعود فرا رسید واین آفتاب پوشیده در ابرهای ضخیم وسیاه از دامن خوشه چینی فرو افتاد ومردم سرما زدهٔ این دیار به خاطر زدودن این سرما خوردگی وانجماد تاریخی به سوی آن شتافتند. متأسفانه آن را فاقد حرارت وگرمای لازم یافتند که نمی تواند توقعات هم وطنان رنجدیدهٔ ما را برآورده سازد واز کرختی و یخ زدگی شان بکاهد.

طوری که دیده می شود این قانون به صورت یکجانبه طرح وتدوین گردیده وبا اعمال زور وفشار یکبار دیگر ردپای گذشته گان تعقیب شده است.که چنین کاری تکرار اشتباه دولتداران گذشته را بازگو خواهد کرد وکشور را یکبار دیگر به سوی نفاق وشقاق رهنمون شده وزمینهٔ مداخلات بیرونی ها را فراهم خواهد کرد.

می خواهم از اطالهٔ کلام دوری جسته به اصل مطلب بپردازم ونقطه نظرات خود را به صورت فشرده وموجز دربارهٔ قانون اساسی ابراز نمایم:

• در مادهٔ چهارم می خوانیم که:

«حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد... ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. وبر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمهٔ افغان اطلاق می شود».

باید اذعان داشت که افغانستان کشور کثیرالملیت بوده، هرکدام از این اقوام زبان، سرزمین، فرهنگ، تاریخ وعنعنات خاص خویش را داشته حتی اقلیم وآب وهوای هر منطقه باهم تفاوت دارد.

این که امروز برسر این نکته پافشاری به عمل می اید ودر برخی حالات متوسل به زور گویی می گردند، بدون هدف نیست. زیرا: هرکس برای مقصد خود دلبری کند!

دولت مداران حاضر بایست از گذشته های نه چندان دور انتباه گیرند واشتباه دیروزی ها را تکرار نکنند. درد آور است که ما باچشم پوشی از واقعیت های عینی جامعه های انسانی در عصر تسخیر کیهان وزمان تسلط کامپیوتر شعارهای استثمار جویانه را ارایه دهیم.

پافشاری روی این امر به معنای تشدید بحران وایجاد درگیری ها ونفوذ وگسترش عوامل ناباوری وشک وتردید هاست، همان انگیزه هایی که طی دو سال ما را به جان هم افگند واز کاروان تمدن وپیش رفت باز داشت. این همان«روی مسالمت آمیز سکهٔ طالبی است» یعنی همان مضمون در شکل دیگری چهرهٔ آراسته است.

به هر حال مردم در هر عصر وزمان حاضر اند علیه اسارت پذیری ومسخ تاریخ وجعل هویت اگر بر آنها تحمیل گردد قاطعانه بایستند، اگر در مقابل هر اقدامی گذشت ومدارا پیشه گیرند در مقابل تاریخ ستیزی قطعاً سکوت نخواهند کرد؛ زیرا همه چیز را قابل بخشایش می دانند ولی مسخ هویت وجعل تاریخ را جدی خواهند انگاشت.

• در مادهٔ(۱٦) آمده است:

«از جملهٔ زبان های پشتو، دری، اوزبیکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی وسایر زبان های رایج در کشور، پشتو ودری، زبان های رسمی دولت می باشند»

از این ماده برمی آید که تبعیض وتعصب جایش را به تساوی حقوق ملی وبرابری وبرادری داده است. ولی چند ماده بعد تر به تغییر جهت وتعویض اندیشه می پردازد.

چنانچه:

در مادهٔ(۲۰) قاطعانه حکم می راند که سرود ملی افغانستان باید به زبان پشتو باشد.

در مادهٔ(۲۲) به رفع تبعیض وامتیاز میان اتباع افغانستان واز برابری حقوق و وجایب تساوی اتباع در برابر قانون سخن به میان آمده است.

احکام مواد(۱۶) و(۲۲)، در مادهٔ (۲۰) صریحاً نقض شده به یقین چنین نقاضت ها اصل وحدت ملی را خدشته دار می سازد. واین باور را تقویت می کند که این اصل مقدس(وحدت ملی وبرابری وتساوی حقوق) به بازی گرفته شده است وبدون شک حربه ایست علیه سایر ملت ها واقوام ساکن در کشور که باسلاح وحدت به وحدت شکنی می پردازند. وتارسیدن به غصب کامل قدرت این ترفند ریاکارانه را وسیله خواهند ساخت.

من نمی خواهم در صدد اثبات وبرتری یک زبانی نسبت به زبان دیگر باشم، زیرا زبان را پدیدهٔ اکتسابی ومیثاقی و وسیلهٔ افهام وتفهیم ومعرف افتخارات ملی وهویت تاریخی برملت وقومی می دانم که بدان زبان تکلم می کنند. هرگز بایسته نمی دانم به مقاصد سودجویانه وتوسعه طلبانه وبرتری جویانه از پدیدهٔ زبان بهره جویم، زیرا: ثمرهٔ تفوق طلبی وخود محوریت را تجربه کرده ایم، دیگر بس است وتجارب ناکام گذشته را نباید تکرار کرد.

ملت ها واقوام ساکن در کشور دیگر کتلهٔ در هپنوتیزم فرو رفتهٔ دیروزین نیست. طی دو دهه جنگ باوصف تحمل خسارات ومعیوبیت ها وآوارگی ها وقتل ها- آگاهی فراوان سیاسی را به دست آورده اند. امروز آنها می توانند به عمق قضایایی پی ببرند که دیروز از درک آن عاجز بودند.

مردم آنهایی را نخواهند بخشید که امتیازات موقتی وکرسی های پرزرق وبرق چشم وگوش شان را کور وکر ساخته واز تاریخ وهویت ملی مردم شان چشم پوشیده منافع ومصلحت جمع را فدای مصلحت ومنافع زود گذر شخصی می کنند واز اطمینان واعتماد آنها به نفع اقارب وبستگان شان بهره جسته اند.

• **در مادهٔ(۳۵) بند(۱) تصریح شده است که:**

«مرامنامه واساسنامهٔ حزب باید مناقض احکام دین مقدس اسلام ونصوص وارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد.»

در بند(٤) ماده(۳۵) در مورد تشکیل گروه ها واحزاب می خوانیم که:

«تأسیس وفعالیت احزاب برمبنای قومیت، سمت، زبان ومذهب جواز ندارد.»

فکر می کنم این دوماده از نگاه مفهوم در مغایرت باهم قرار گرفته اند به دلیل اینکه:

در بند اول مرامنامه واساسنامه حزب را در صورتی می پذیرد که مناقض احکام دین اسلام نباشد. اما در بند(۴) تأسیس وفعالیت حزب را براساس مذهب جایز نمی داند که به معنای تادیده گرفتن ظرفیت های مذهبی وحذف اندیشه های مذهبی ودر آخرین تحلیل به حاشیه راندن تشکل های مذهبی است.

در حالی که در قانون تشکل احزاب وگروه ها را برمبنای قومیت وسمت وزبان مجاز نمی داند- نمی دانم در آینده تکلیف حزب افغان ملت که یک حزب برمبنای زبان است چه خواهد بود؟.

• **در ماده(٤۲) تذکر رفته است:**

«هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه ومحصول تادیه کند.»

باید به این ماده علاوه گردد که هرشخصی که از پرداخت مالیه واخذ تذکره وخدمت زیر بیرق خود داری بورزد جزء اتباع افغانستان شمرده نخواهد شد.

• **ماده (٤۳) تعلیم را حق تمام اتباع افغانستان می داند که اولی درجهٔ ثانوی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد..**

این ماده مبتنی برشرایط و اوضاع کنونی کشورما نبوده ونیازهای فعلی را مرفوع نخواهد کرد. شاید این ماده کاپی قوانین ممالک متمدن وپیشرفته باشد. اگر به زندگی اکثریت مردم نگریسته شود به مشاهده می رسد که اکثریت مردم ما زندگی پایینتر از حد صفر را از سرمی گذرانند، عده یی هم پیشهٔ ماموریت دارند در حدود۱۷۰۰ افغانی تا۲۰۰۰افغانی معاش می گیرند. اگر قرار باشد که تعلیم وتحصیل در بدل فیس صورت بگیرد؛ آیا با این عایدات می توانند فیس حد اقل سه نفر از فرزندان شان را بپردازند؟

بدون شک آنها مجبور خواهند بود به رشوه ستانی وسایر اعمال نادرست دیگر دست یازند تا فیس تعلیم وتحصیل فرزندان خویش را تادید بدارند.

بارعایت این ماده اکثراً استعدادهای با ارزش را از دست خواهیم داد وهرگز از ناحیهٔ عرضهٔ کادرهای مجرب ومتخصص به مرحلهٔ خود کفایی نخواهیم رسید وهمواره دست احتیاج مان به سوی دیگران دراز خواهد ماند.

• **مادهٔ(٦۰) در مورد اعطای صلاحیت بیش از اندازه به رییس جمهور است، که بدون شک منجر به یک دیکتاتوری خشن استبدادی دولتی در کشور خواهد شد.**

اعطای این همه حقوق وصلاحیت های بیش از حد تجربهٔ استبداد خودکامه را در اذهان تداعی خواهد کرد.

• مادهٔ(۱۶۵) در زمینهٔ امتیاراتی است که توسط جرگه(مجلس اضطراری نمایندگان) سال۱۳۸۱ به اعلیحضرت محمدظاهر پادشاه سابق اعطاء شده است که بارعایت این قانون مادام الحیات برایشان محفوظ باشد.

پیشنهاد من این است که استعمال این گونه کلمات واعطای چنین القاب اجباری عاری از واقعیت. دیگر به درد جامعهٔ ما نخواهد خورد بایست از قاموس داشته های فرهنگی حذف گردند. و در مقابل از قهرمان های عرصهٔ جهاد ومقاومت باید تحسین وتمجید به عمل آورد. شاعری گفته است:

بست نام پدر چه می کردی؟
پدر خویش شو اگر مردی!

در مسوده امده است که گویا این القاب توسط مجلس اضطراری نمایندگان به اعلیحضرت محمدظاهر تفویض شده است، در حالی که این پیشنهاد یک جانبه به مخالفت شدید نمایندگان مواجه گردید از جمله شیرمحمد بهادر یکی از وکلای شهر کابل عکس العمل شدیدی نشان داد که از طریق تلویزیون اعلان گردید.

در حالی که نمایندگان مردم در جلسهٔ اضطراری خبری از این تصویب ندارند.

پارلمانی سیستم یا ...

چې دغه راز حیاتي مسائل بـواخې دلـوئې جرګې داکثریت لـه لارې تائید یا تردید شي او دچارو سترو اوارو چارواکي تـې پـه تعمیلولو خان مکلف وبولي

زموږ په فکر دا استدلال چې په پارلماني نظام سره دقدرت مرکزونه زیاتیږي او ټولنه دبحران خواته ځي دمنلو وړ نه دي ځکه په پارلماني نظام کي اصلاً صلاحیتونه ویشل کیږي او دمطلق العناني مخه نیول کیږي. قانوني ګوندونو ته په پارلمان کي دفعالیت اجازه ورکول کیږي او هر هغه ګوند چې اکثریت ترلاسه کړي حکومت جوړوي. که مطلق اکثریت ترلاسه نه کړي له نورو ګوندونو سره ائتلافي حکومتونه جوړوي چې دا په خپله د دیموکراسي مظهر ګڼل کیږي او هر ګوند هڅه کوي چې په ټولنه کي محبوبیت پیدا کړي یو ډول مثبت رقابت منځ ته راځي. اپوزسیون جوړیږي او په خپل سیال باندي وخت په وخت نیوکي او انتقادونه کوي.

همدارنګه په پارلماني سیستم کي دا ویره هم نشته چې څوك دې په مطلقه توګه په قدرت خپته واچوي او له خلکو څخه دي. [illegible] په [illegible]

[illegible] دي عقیده [illegible] چې که خول په رښتیني توګه د دیموکراسي غوښتونکي [illegible] د دیموکراسي تشکیلوونکي سیستم پارلماني نظام دی. نه ریاستي سیستم چې کیدای شي ټولنه د دیموکراسي [illegible] پرخلاف [illegible] او مصلحت [illegible] رهنمایي کړي [illegible] د دیموکراسي [illegible] اړوګتي له [illegible] محکمي ورژوي او په سیمه او نړۍ کي دسترو ستونزو سرچینه شي

تجربهٔ دو سال ...

بانک مرکزی از آن زمان تا کنون پول جدیدی چاپ نکرده و حجم پول در اقتصاد کشور ثابت است. رشد شاخص قیم [illegible] تورم شدید در کشور دارد. نرخ مواد اولیه در بازار رشد بیش از چهل فیصد را نسبت به قیمت های مشابه سال قبل نشان می دهد.

در حالیکه صعود قیم و همراه با آن گسترش بیکاری و فقر در کشور بیداد می کند. دولت هیچ فکری به حال مردم نداشت زیرا به ملت ارزشی قایل نبود تا گرهی از مشکلات شان باز کند.

اکنون که صحبت برسر قانون اساسی و نظام آینده در کشور است، باید جناب کرزی از خود بپرسد که چرا نتیجه، انتخابات لویه جرگه برخلاف پیشبینی هائی است که توسط منجمینی چون رهین و مبارز صورت می گرفت؟ چرا ملت در کنار مجاهدین ایستاده است؟

امروز روز حسابدهی به همین بیراهه رفتن های دوساله است. آیا چنین نیست؟

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره دهم | یکشنبه ۲۴ قوس ۱۳۸۲ | ۲۱ شوال المکرم ۱۴۲٤ - | 15 December 2003

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

تجربهٔ دو سال نظام ریاستی

ابوبکر سبزوار

در آستانهٔ تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی، جناب حامد کرزی رییس دولت انتقالی اسلامی افغانستان یکبار دگر با حمایت از نظام ریاستی در کشور خواستار آن گردید تا بر بنیاد این قانون، افغانستان دارای یک رییس جمهور باصلاحیت و قدرتمند باشد.

تمایل آقای کرزی به قدرتمند بودن زمانی به روشنی برملا شد که در آخرین روز تدویر لویه جرگهٔ اضطراری جناب ایشان از بوجود آمدن شورائی از نمایندگان مردم که باید حیثیت پارلمان را در دولت اسلامی انتقالی بعهده می داشت، طفره رفت و مسئولیت این کار را به دوش خود نمایندگان انداخت و به آینده موکول نمود. در حالیکه از همان آغاز، گرد آمدن مجدد نمایندگان کاملا بعید از امکان بود. جناب کرزی با این کار در حقیقت خود را از قید پارلمان نجات دادند اینکه ایشان امروز می فرمایند که داشتن پارلمان که موجب تقسیم قدرت گردد به نفع مردم افغانستان نیست، یعنی اینکه نمی تواند که خود بالای خود حکم براند و یا حتی اهلیت آنرا داشته باشد که در قدرت مشارکت داده شود.

> **در دو سال گذشته بیشترینه تلاش آقای کرزی بعنوان رئیس دولت انتقالی این بود تا قدرت خود را در کشور تحکیم و گسترش بخشد.**

در دو سال گذشته بیشترینه تلاش آقای کرزی بعنوان (رییس) دولت انتقالی این بود تا قدرت خود را در کشور تحکیم و گسترش بخشد اگر دقیق تر به این مسئله بنگریم، کرزی در طول دوسال گذشته با سیستم ریاستی بر این ملت حکم راند. اکنون بنگریم که دست آورد های این دوسال نظام ریاستی برای افغانستان چه بود؟

نخست از همه اینکه از مبلغ هنگفت دوملیارد دالری که در طول دوسال گذشته از طرف جامعهٔ جهانی به افغانستان کمک شد، تاثیر مثبت و ملموسی بر زندگی مردم افغانستان دیده نشد. دولت ادعا داشت که با تغییر بانکنوت افغانی، و بوجود آوردن بانکنوت واحد، از نوسان ارزش افغانی جلوگیری خواهد کرد و به تورم پایان خواهد داد.

دولت آقای کرزی در آن زمان تمام مشکل اقتصادی کشور را بدوش پولهای بی پشتوانه ای می انداخت که در کشور در دوران بود اما با از میان رفتن آن بانکنوت ها و بوجود آمدن پول واحد، در حالیکه ادعا می شود ص۳

لویه جرگهٔ قانون . . .

تنش در محفل زمانی ایجاد گردید که طرزالعمل از پیش تهیه شده در برابر وکلا گذاشته شد تامطابق به آن، قانون اساسی را به تصویب برسانند. تعداد چشم گیری از وکلا باطرز العمل از پیش تهیه شده مخالفت کردند. مهمترین مسأله رأی گیری روی طرزالعمل از پیش تهیه شده بود که صرف اخذ موافقهٔ وکلا برای تأیید ویا در طرز العمل بیشتر از ۲ساعت را در برگرفت. حضرت صبغت الله مجددی، عبدالحفیظ منصور، کبیر رنجبر وعزیز الله واصفی کسانی بودند که برای ریاست لویه جرگه نامزد شدند. در نتیجه رأی گیری محترم صبغت الله مجددی با به دست آوردن ۲۵۲ رای به حیث رئیس لویه جرگه انتخاب گردید.

با در نظر داشت اوضاع بعد از ظهر اجلاس روز اول، انتظار می رود که لویه جرگهٔ قانون اساسی روزهای

نمایندگان ولایات هرات، بادغیس، فراه وغور خواهان . . .

۵- مادهٔ چهارم این گونه تعدیل گردد:

(تمثیل از حاکمیت در افغانستان، به ملت تعلق دارد که ...) زیرا حاکمیت در حقیقت از آن خداوند(ج) است وملت در وجههٔ عملی ممثل حکومت خداوند(ج) می باشد.

۶- مادهٔ پنجم این گونه تعدیل گردد:

(تطبیق احکام این قانون اساسی وسایر قوانین، دفاع از حریم اسلام، استقلال.... از وظایف اساسی دولت می باشد.)

یعنی جملهٔ «دفاع از حریم اسلام» در این ماده علاوه گردد.

۷- در مادهٔ ششم وهمه موادی [illegible] اصطلاح «دموکراسی» به کار رفته است در پسوند دموکراسی جملهٔ «در پرتو ارزش های اسلامی» علاوه گردد زیرا با آن که اسلام درمیان نظام های موجود دنیا بیشترین نزدیکی واندماج را بانظام دموکراسی دارد اما با آن هم در بسا از موارد ساختاری وهمچنین در محتوا ومضمون تضاد هایی نیزوجود دارد که اضافه نمودن جملهٔ فوق می تواند راه حلی اصولی در این رابطه تلقی گردد.

۸- مادهٔ هفتم بر رعایت منشور ملل متحد، میثاق های بین الدول واعلامیهٔ جهانی حقوق بشر تأکید می نهد، در اخیر پاراگراف اول این ماده باید علاوه گردد: «در صورتی که منطبق باموازین، احکام وضوابط اسلامی باشد.»

۹- در مورد مادهٔ بیست که به سرود ملی کشور می پردازد، این نکته باید خاطر نشان ساخته شود که رأی اکثریت نمایندگان در مورد زبان انشایی سرود که آیا به پشتو باشد یا به فارسی یا به هردو، مدار اعتبار است واین امر نباید سبب تفرقه وتجزیهٔ نمایندگان عزیز ملت که همه از یک خانواده اند گردد ولی این حقیقت باید در نظر گرفته شود که در هر سرودی باهر زبانی باید کلمهٔ طیبهٔ لااله الاالله والله اکبر وعظمت جهاد که در سرود ملی موجود است، وجود داشته باشد ودر غیر آن سرود ملی فاقد ای[illegible]ات مقدس نمی تواند سمبل وشعا[illegible] ملت مسلمان ماقرار گیرد.

۱۰- ماده بیستم به این شکل تعدیل گردد:

(هر نوع تبعیض بین اتباع افغانستان ممنوع است، امتیاز ناجایز نیز شامل این حکم است.)

۱۱- در مادهٔ بیست وچهارم حدود آزادی که همان انطباق با ارزش های اسلامی است باید تعریف گردد لذا تعدیل آن به این شکل لازم است:

(آزادی حق طبیعی انسان است... دولت به احترام وحمایت آزادی در حدود ارزش ها واحکام اسلامی وهمچنین به احترام وحمایت از کرامت انسان مکلف می باشد.)

۱۲- مادهٔ سی ودوم به این شکل تعدیل گردد:

(در صورتی که مدیون از نظر مالی تمکن نداشته باشد، مدیون بودنش موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود.)

۱۳- مادهٔ سی وچهارم به این شکل تعدیل گردد:

(آزادی بیان از تعرض مصؤون است، هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشته و... بارعایت احکام شرع اظهار نماید...)

۱۴- نظام جمهوری اسلامی پارلمانی مورد تأیید می باشد.

۱۵- مادهٔ شصت دوم به این شکل تعدیل گردد:

(شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود باید واجد شرایط ذیل باشد:

الف: تبعهٔ افغانستان، مسلمان، متولد از والدین افغان، دارای علم، دانش، تقوی، کفایت سیاسی، مدبر و مدیر بوده وزوجهٔ آن نیز مسلمان، افغان باشد وتابعیت دوگانه نداشته باشند.

۱۶- مادهٔ شصت وچهارم باید به این شکل تعدیل گردد:

(تخفیف وعفو مجازات تعزیری بعد از اصلاح محکوم به جز حدود وقصاص مطابق احکام قانون از صلاحیت رئیس جمهور است.)

۱۷- مادهٔ هشتاد وسوم باید به این شکل تعدیل گردد:

(اعضای «ولسی جرگه» توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری ومستقیم به مدت پنج سال انتخاب می گردند وتأسیس مشرانو جرگه را متناسب باشرایط مالی وسیاسی کشور نمی دانیم وشرعاً نیز مقتضایی برای تأسیس آن وجود ندارد.

۱۸- مادهٔ نود وهشتم باید به این شکل تعدیل گردد:

(بودجهٔ دولت وپروگرام انکشافی حکومت از طریق حکومت به ولسی جرگه غرض غور وتصویب تقدیم می شود.)

۱۹- مادهٔ یکصد وسی ام به این شکل تعدیل گردد:

(هیچ عضو شورای ملی... مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد مگر در صورتی که به مقدسات اسلامی اهانت نماید.

محاکم در اجراآت خود به فقه حنفی عمل می کنند ودر مناطق برادران اهل تشیع فقه همان مذهب قابل تطبیق است.

۲۰- مادهٔ یکصد وچهل ویکم باید به این شکل تعدیل گردد:

شاروال واعضای مجالس شاروالی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری ومستقیم برای مدت سه سال انتخاب می شود.

۲۱- مادهٔ یکصدوچهل وچهارم باید به این شکل تعدیل گردد:

(در تمام حالات حتی در حالت اضطرار رئیس جمهور نمی تواند صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.)

۲۲- مادهٔ یکصد وهفدهم باید به این شکل تعدیل گردد:

ستره محکمه(داد گاه عالی) مرکب است از۹عضو که از طرف رئیس جمهور پیشنهاد وبا تصویب ولسی جرگه وبارعایت احکام مندرج فقرهٔ آخر مادهٔ پنجاهم ومادهٔ یکصد وهجدهم این قانون اساسی برای مدت پنج سال تعیین می شوند.

۲۳- مادهٔ یکصد وچهل ونهم باید به این شکل تعدیل گردد:

اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام ونظام جمهوری اسلامی هرگز تعدیل نمی شود.

۲۴- مادهٔ یکصد پنجاه وسوم باید به این شکل تعدیل گردد:

قضات، سارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس ومنسوبان امنیت ملی در مدت تصدی وظیفه نمی توانند فعالیت حزبی نمایند.